

دولت سوم روحانی یا دولت سوم خاتمی را برای کابینه مطبوع اش دریافت کرد(که البته در نهایت با ترکیبی که چید و استفاده از گزینه‌های اصولگرا هیچ‌یک از دو عنوان قبلی بر دولتش حمل نمی‌شود). حال آنکه در مقیاس‌های دیگر و با تغییر برخی دولت‌ها با قطار واردات مدیران اتوبوسی، جایه‌جایی‌های گسترده و از دست رفتن تجربه‌های مدیریتی حاصل شده رویه‌رو شدیم. نمونه بارز این موضوع در دولت احمدی نژادمشاهده شد؛ او رکورددار تغییرات مدیریتی بود؛ رکوردبیشترین تغییرات استانداران نسبت به چهار دوره قبل از خود را رقم زد؛ در حالی که چهار رئیس جمهور پیش از او در مجموع ۲۰۰ استاندار تغییر داده و منصوب کرده بودند، او به تنهایی ۱۲۰ استاندار عزل و نصب کرد. تغییرات گسترده احمدی نژاد تا آنجا پیش رفت که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی رانیز منحل کرد؛ سازمانی که نقش مهمی در تعیین نقش‌های دولتی وغیردولتی داشت. او دلیل این کار راالگوی آمریکایی این سازمان بیان کرد که مبنای برنامه‌ریزی در آن اقتباسی از آمریکا بوده و اینگونه گفته بود: «الطبع وقتی سازمانی توسط آمریکایی‌ها ایجاد می‌شود، اهداف آن به جز نابودی اقتصادی و جلوگیری از رشد و توسعه کشور چیز دیگری نبوده است.» این سازمان پس از آن نیز دچار تحولات گسترده‌ای شد. روحانی زمانی که به ریاست‌جمهوری ایران رسید سازمان را به شکل سابق خود بازگرداند اما در نهایت در سال ۹۵ مجدداً به دوسازمان برنامه و بودجه و اداری و استخدامی تغییر پیدا کرد.

در دولت مرحوم رئیسی نگاه به تغییرات مدیران، به نوعی باکسازی از آنچه از دولت قبل مانده بود تلقی می‌شد؛ به‌گونه‌ای که احمد وحیدی، وزیر کشور دولت سیزدهم درباره تغییرات مدیران میانی گفته بود: «علی‌رغم روی کار آمدن دولت سیزدهم در برخی از بخش‌های کشور، در کاهش استفاده از مدیران و مسئولین میانی دولت قبل ونیز تغییرات و جایه‌جایی‌های صورت‌پذیرفته، سرعتمان کند است ومتأسفانه استقرار مسئولین دولت سیزدهم در برخی نقاط با سرعت خوبی پیش نرفته است. به دستگاه‌های ملی و استانی تأکید شده است که در خصوص کاهش به‌کارگیری مدیران میانی به‌جامانده از دولت قبلی تلاش بیشتری صورت بگیرد.» نگاه پزیشکیان به این موضوع امانتفاوت است. اودر یکی از سخنرانی‌های خود تأکید کرده بود که بنا نداردمدیران مختلف را تغییر دهن؛ «ما بنا نداریم همه مدیران کشور را برابرچسب‌های مختلف تغییر دهیم، بلکه معیار ما شایسته‌گزینی براساس شاخص‌های تعیین‌شده

مستقر نشدنند، عمدتاً براساس رانته‌ها و رویکردهای سیاسی

است که به آن جایگاه رسیدند و متقابلاً وقتی جریان دیگری هم روی کار می‌آید خود را محق می‌داند این چنینش عمدتاً مبتنی بر روابط و رانته‌های سیاسی را تغییر دهد. لذا باید براساس یک توافق عمومی در کشور دوره میان‌مدتی را صرف این کنیم که ما بدنه اجرایی و مدیریتی کشور را ابتدا براساس شایستگی‌ها و بدون نگاه به گرایش‌های سیاسی شکل دهیم و بعد از آن توافق کنیم که اگر جریانی روی کار آمد، از یک سطح سیاسی به پایین دیگر تغییراتی را انجام ندهد و ما به این مقدمه نیاز داریم و یکباره نمی‌شود به این ایده آل که به آن اشاره کردید رسید.

۴ باتغییر مدیران، همواره یک گسست اطلاعاتی ودانشی در میان سازمان‌ها ایجاد می‌شود. چگونه می‌توان موجب کاهش این گسست اطلاعاتی و دانشی با توجه به شرایط فعلی سیستم‌سیاسی کشورشد؟

چون آن آسیب وجود دارد، بخشی از این نارسایی و از دست‌رفتن دیتاها به هر حال اجتناب‌ناپذیر است و آسیب خود را وارد خواهد کرد، تا آن مقدمه طی شود و سامانه مدیریت اجرایی کشور بر این اساس شکل گیرد و بنیوانیم، از آسیب‌ها در امان باشیم. تا زمانی که این اتفاق بیفتد مدیریت رفتار کلان کشور در انجام تغییرات و رواداری در این زمینه می‌تواند این آسیب‌ها را کمتر کند. در واقع پرهیز از اعمال نگاه‌های شخصی وباندی و جناحی در رده‌هایی که می‌شود از تغییرات چشم‌پوشی کرد باید اتفاق بیفتد. ما در دوره‌های مختلف این تجارب را داشتیم و تغییرات به یک اندازه نبوده است. دوره‌هایی را داشتیم که با رواداری و مدیریت رفتار بهتری این تغییرات صورت گرفته و آسیب کمتری هم داشته است و در دوره‌هایی هم به صورت اتوبوسی و چشم‌پسته مطرح شده که مدیران فعلی مسبب وضع

وزیر امور خارجه، محمدجواد ظریف، در جریان دیدار با رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی، در کاخ سفید، واشینگتن، ۲۰۱۳

وتوسعه‌یافتگی یک نیروی سیاسی است با انواع انگ‌های ناصواب و غیرعلمی وغیرمنصفانه‌تواخته‌می‌شود و عملاً یا کاری و حامی‌پروری وفرصت‌طلبی وباندبازی‌های غیرشفاف وغیرپایخ‌گو تقویت‌می‌شود. این اقت‌سازدار امتأسفانه‌به‌عینهم‌به‌نظرم یکی از اصلی‌ترین تهدیدهای نظام سیاسی ومدیریتی کشور، همین مسئله است. درباره مسئله‌شایسته‌الازی‌هم بایدمراقب‌بود که اولاً ربط چندان‌ی بین‌روزمه وشایستگی نیست، بلکه‌به‌جای‌روزمه باید کارنامه املاک گرفت.ثانیاً، در ساختاری که از انواع تبعیض‌های عقیدتی و جنسیتی ونسلی رنج می‌برد، یکی از شاخص‌ها باید جبران تدریجی تبعیض‌های ظالمانه ومتقابلاً اعمال تبعیض مثبت در حق محذوفین باشد. بگذریم که شایستگی را برخی به‌تعلقات ایدئولوژیک وسیاسی‌خاص تنزل داده‌اند. شاهد این ادعا، شکل وظاهر وتفکر و جناح اغلب مدیران است که گویا قاتلان به یک دیدگاه وقبیله خاص، از شک‌مادر مدیرزاده می‌شوند.

۴ در نظام حکمرانی ایران چه رویکرد ومنشیی باید شکل بگیرد تا مانند کشورهای دموکراتیک که با تغییر دولت‌ها، تغییرات در سطوح سیاسی وبالی مدیریتی رخ می‌دهد، در ایران نیز همین‌گونه باشد وتا ابتدای ترین سطوح اداری شاهد تغییرنباشیم؟

این رویکرد درست و لازمی است به شرط تبعیض‌زدایی از نظام اداری ومدیریتی کشور. متأسفانه در اینجا موضع میانه‌ها حقیقت

است وطبیعتاً اگر مدبری در ارزیابی‌ها رتبه‌ قابل قبولی کسب کرد، باقی خواهد ماندو مدیرانی که بدون تخصص وشایستگی منصوب شده‌اند، کنار گذاشته خواهند شد.»

▼ هزینه‌های اضافی تغییرات سیاسی

با نگاه به آنچه با تغییر دولت‌ها بر سر عزل ونصب‌های مدیران رخ داده، می‌توان به دلیل سردرگمی‌ها در این‌باره پی برد، نه آنکه تغییر مدیریتی به‌ویژه در ساختار سیاسی کشور پس از تغییر دولت‌ها و نگاه‌های متفاوت لازم نباشد؛ اما تغییرات بدون پشتوانه و با نگاه صرفاً سیاسی و نه تخصصی، هم هزینه اضافی به کشور تحمیل می‌کند و هم سازمان ومجموعه‌ها را از مسیر پیشرفت دور می‌کند؛ مسئله‌ای که اخیراً رضا اردکانیان، وزیر دولت روحانی در سخنانی به آن اشاره کرد و عوارض این تغییر مدیران را انفصال دانشی و تجربی طی ادوار حکمرانی دانست و گفت: «انفصال دانشی و تجربی بین ادوار حکمرانی بعد از انقلاب یک نقص است اما اصلاً به معنای عدم‌تغییر مدیران وتداوم حضور فیزیکی این‌ها در مصادر ومناصب نیست بلکه بر این نگاه متمرکز است که اتصال دانش وتجربه یک جلوه از حقوق عامه است و هر مدیر ارشد و میانی در پایان دوره مسئولیت خود به‌عنوان یک وظیفه وحقی که از عموم مردم برگردن دارد باید به شکل سیستماتیک بتواند تجربیات، اندوخته وسواد خود را منتقل کند تا مورد استفاده دیگران قرار گیرد.» اما تغییرات مدیریتی در ایران به گونه‌ای است که اولویت تغییرات مدیریتی مشخص نیست ومدیران در استراتژی‌ها، استلال‌های جایه‌جایی، اهداف وسودی که این‌جایه‌جایی‌ها به دنبال خواهد داشت با کمبود اطلاعات مواجه هستند و اگر مدیری قدرت لایحی گری وتعامل بارده‌های مدیریتی بالایی را داشته باشد، براساس منافع شخصی و نه سازمانی خود تصمیم به تغییر و جایه‌جایی خواهد گرفت وبرآیند این مسیر، نتیجه‌ای جز از دست‌رفتن اعتماد وامینان وترس و نگرانی سایر کارمندان نسبت به جایگاه شغلی خود، آینده کاری وبه‌هم‌ریختگی سازمان را در پی نخواهد داشت.

▼ ثبات یا جابه‌جایی؟

سردرگمی در تغییر وثبات مدیریتی، موضوعی است که در تجربه‌های علمی و دانشی نیز به آن پرداخته شده است؛ هر چند که در سیستم مدیریتی کشور ما جایگاه

وزیر امور خارجه، محمدجواد ظریف، در جریان دیدار با رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی، در کاخ سفید، واشینگتن، ۲۰۱۳

▼ موجود هستند و کلیه مسببین باید تغییر کنند.

قطعاً این موجب

آسیب‌های بیشتری در انتقال تجارب شده است.

۴ فکر می‌کنید نیازی به قانونی است که تغییرات حطور باشد و یا باید منتظر باشیم که دانش مدیریتی ما به سطحی برسد که با تغییر دولت‌ها، در همه سطوح اداری ودولتی شاهدتغییراتنباشیم؟

قانون هم می‌تواند کمک کند. اما باید همیای این رویه، اصلاح از پایین صورت بگیرد. فرض کنید قانونی گذاشته شود و دولت جدید مانع کند که از فلان رده به پایین را نباید عوض کنند. تا زمانی که زمینه‌های ایجاد کارآمدی در رده‌های پایین تر مدیریتی به وجود نیامده باشد این قانون صرفاً می‌تواند نا کارآمدی دولت‌ها را تشدید کند. قانون باید همیای تغییرات محتوایی از پایین باشد.

۴ نقش فقدان تجزرب در ایران را در پی‌ثباتی‌های مدیریتی و این گسست‌چه می‌دانی؟

قطعاً نقش پررنگی دارد و آسیب جدی در این حوزه‌ها ایجاد کرده است؛ هم در سطوح مدیریت عالی و هم مدیریت‌های میانی. کارآموده شدن مدیران و افراد در همه جای دنیا از وظایف احزاب است و نیروها از بدنه حزب تربیت و با پیروزی حزب در انتخابات به بدنه اجرایی کشور منتقل می‌شوند. ما به دلیل فقدان این اصل مهم شاهد هستیم تغییراتی که با تغییر دولت‌ها ایجاد می‌شود براساس شایستگی و حتی باورمندی به محورهای جناح پیروز هم صورت نمی‌گیرد و بهشت نیروهای این‌الوقت و مولتی می‌شود که می‌توانند با لایحی‌ها و باندها، خودشان را به بدنه اجرایی دولت‌ها در دوره‌های مختلف تزیق کنند که دقیقاً به دلیل فقدان تجزرب در کشور است و قطعاً ایجاد تجزرب به شکل واقعی یکی از ارکان مدیریتی توانمند و پویا در کنار دیگر مسائل خواهد بود.

▼ سازگار نیست و می‌توان انگشت اتهام را به یک سمت خاص گرفت.

واقعیت این است که جریان موسوم به انقلابی، تا رده‌های کارشناسی و تا آبدارچی سازمان‌های دولتی و حاکمیتی را تا جایی که تیغ‌شان بریده خالص‌سازی کرده‌اند. اول باید این مشکل را برطرف کرد. هر وقت این تبعیض برطرف شد، حل این مشکلی که به‌درستی در پرسش شماست، ممکن تر می‌شود. انصافاً ببینید انباشت تجارب اجرایی به‌خصوص درنسل جوان ومیانسال چراباید علی‌الغلب یاد یک جناح خاص باشد یا معدودی از عافیت‌طلبان دیگر؟

۴ در نتیجه برای اینکه با تغییر مدیریت گسست اطلاعاتی بین ادوار مختلف مدیریتی رخ ندهد، چه باید کرد؟

اول، تبعیض‌زدایی و اجرای عدالت سیاسی و عقیدتی و برابری حقوقی و استفاده از فرصت‌ها. دوم، تجزرب. در گام سوم، ایجاد فضای جدی وستگین علیه‌تغییرات اتوبوسی وبی‌ضابطه وثبات‌زد. برای نمونه در مسئله حزب، چرا آن تشکیلات مفصل شورای راهبردی و کمیته‌ها و کارگروه‌های تخصصی شکل گرفت؟ چون نیاز به تشکیلات احساس شد اما معادل آن که احزاب باشند در تمام سال‌های گذشته به رسمیت شناخته نشده‌اند؛ عاملی که باعث شکل‌گیری احزاب ضعیف وتعدد ناموجه احزاب وتقویت یا کاری و عدم شفافیت وفرصت‌طلبی وبرکشدین نیروهای میان‌مایه وحذف نیروهای متعهدوقوی شده است.

یکشنبه ۸ مهر ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۶۰۹
www.hamhianonline.ir

ناشناخته‌ای دارد. در پژوهشی با عنوان «ثبات یا جابه‌جایی مدیران دولتی؛ ضرورت و چرایی؟» به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است. بر مبنای یافته‌های جعفر بیک‌زاده و فائقه پور حمزه «بسته به نوع حاکمیت ونحوه اداره دولت در کشورها، ممکن است جایه‌جایی مدیران… در یک دایره محدود ودر حصرای آهنبین انجام شود که افراد عادی امکان ورود به آن عرصه را ندارند. در مقابل و در حالت ایده آل ممکن است فضا برای حضور تمام افرادی که توانایی مدیریت را در خودمی‌بینند از طریق سازوکارهایی مشخص فراهم باشد.» ثبات وجابه‌جایی مدیران دولتی مانند پاندول یک ساعت هستند که در صورت عدم هماهنگی به درستی حرکت نخواهند کرد و عملکرد اشتباهی بر جای خواهند گذاشت. بیک‌زاده و پور حمزه در پژوهش خود اشاره می‌کنند که فرآیند مدیریت همواره نیازمند میل به ثبات است چراکه ثبات کارکنان و کادر رهبری به مدیر در عملکرد بهینه کارهای جاری سازمان کمک خواهد کرد. در پژوهش آن‌ها بیان شده است که «مدیریت دولتی محمل اصلی اجرای خطمشی‌های عمومی و در نتیجه تضمین بهروزی افراد جامعه است.» ثبات و تغییر مدیریتی مزایا و معایب خاص خود را خواهد داشت اما آنچه که در کشور ما به عنوان کشوری که به توسعه‌سیاسی نرسیده است، جلب توجه‌می‌کند، تغییراتی نه‌از سر افزایش بهره‌وری، که از روی فشارهای سیاسی و معتقد نبودن به برخی سیاست‌های کلان و مواردی از این دست است. ظاهراً این جابه‌جایی‌ها بدون توجه به تأثیر آن‌ها ابتدا بر کارمندان و در ادامه بر مردم یک جامعه است؛ چراکه ثابت شده است تغییرات بدون استدلال منطقی باعث می‌شود تا مردم دموکراسی مخوش شده‌ای را تجربه کنند و مدیران را افرادی سیاست‌باز بداندن که هدف آن‌ها از قرار گرفتن در این جایگاه مدیریتی، نه صیانت از حقوق مردم در آن سازمان بلکه اهداف شخصی و سیاسی خودشان است. ورود افراد با رانت وبازی‌های سیاسی به مناصب مدیریتی به مرور باعث به حاشیه رفتن افراد توانمند وشایسته خواهد شد؛ به مرور تصمیمات غیرکارشناسی وغیراصولی جای خود را به نظریه‌های کارشناسی خواهد داد و هرج و مرج‌های مدیریتی خود را نشان خواهد داد. یکی از دلایلی که کارشناسان ونظریه‌پردازان علمی را از تغییر مدیریتی در ایران بر حذر می‌دارد همین نگرانی از جابه‌جایی‌های سیاسی از صدر تا ذیل و نه منطبق با نگاه کارشناسی است چراکه تغییرات در ایران به‌جای آنکه منجر به پیشرفت وارتقا سازمانی شود به‌هم‌ریختگی سازمان را در پی خواهد داشت.

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور - اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابررای شماره ۶۸۹/۵۵۵۴۵۰۳۰۱۴۰۳۶/۰۶ مورخه ۱۴۰۳/۰۶/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعراض متقاضی آقای علی عباس منش فرزند محمود به شماره شناسنامه ۶۱ صادره از سراب در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴/۱۷ مترمربع پلاک ۲۳۹۵ اصلی مفروز و مجزاشده واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محترزگردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وبس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۸- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۲۳

م الف: ۱۳۵۲۳
امید ملک- رئیس ثبت اسناد و املاک

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک نارمک تهران

آگهی تصمیم واحد ثبتی در خصوص عدم قابلیت افزایش پلاک ثبتی ۴۹۳۰۴ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی واقع در بخش دو تهران

جهت اطلاع خانم‌ها وآقایان ام‌البینین وحسینعلی ونوریه وشهرام و علی اکبر و رضا جملگی شادالوئی وخانم شهربانو ولدخانی

در رسیدگی به تقاضای آقای مجید زارع وکالتاً از طرف عباس زارع مستند به سند وکالت نامه شماره ۳۶۸۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ صادره از سراب در شش دانگ یک قطعه زمین با شماره ۸۱۶/۵۵۵۴۵۰۳۰۱۴۰۳۶/۰۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۰ برافراز سهم مشاعی موکل وی، پس از رسیدگی و طی تشریفات قانونی تصمیم واحد ثبتی نارمک مبنی بر غیرقابل افزایش بودن پلاک فوق‌الذکر طی شماره ۱۵۹۱۵۱۹۹/۵۵۵۴۵۰۳۰۱۴۰۳۸۵۶ مورخه ۱۴۰۳/۰۵/۱۲ صادره و چون متقاضی افزایش اعلام داشته از نشانی محل سکونت خانم‌ها وآقایان ام‌البینین وحسینعلی ونوریه وشهرام و علی اکبر و رضا جملگی شادالوئی وخانم شهربانو ولدخانی جهت ابلاغ واقعی اطلاعی ندارد، به استناد ماده ۳ آئین‌نامه قانون افزایش و فروش املاک مشاعی وماده ۱۷ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی بدین وسیله تصمیم واحد ثبتی جهت اطلاع نامبرده و یا هر شخصی که به هر نحوی خود را نسبت به ملک مرقوم ذی حق می‌داند آگهی می‌گردد تا در صورت اعتراض ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی به مرجع ذی صلاح قضایی مراجعه و اعتراض خود را تسلیم نماید.

تصمیم عدم قابلیت افزایش پلاک ثبتی ۴۹۳۰۴ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی واقع در بخش دو تهران

متقاضی: آقای عباس زارع

سایر مالکین مشاعی: خانم‌ها وآقایان ام‌البینین وحسینعلی ونوریه وشهرام و علی اکبر و رضا جملگی شادالوئی وخانم شهربانو ولدخانی

مشخصات ملک:

سند مالکیت یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۴۹۳۰۴ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۳۳۸۰ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۳ در طبقه ۴ واقع در بخش ۰۲ حوزه ثبت ملک نارمک تهران استان تهران به مساحت ۵۶/۶ مترمربع

مشخصات مالکیت:

مالکیت شهرام /شادالوئی فرزند فتاح شماره شناسنامه ۲۱۲۶ تاریخ تولد ۱۵/۰۷/۱۳۵۱ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۵۷۱۰۵۰۱۰۵۷۰۴ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۵ به‌عنوان مالک دو سهم مشاع از پانزده سهم عرصه و اعیان گواهی مالکیت بهای ثمنیه به شماره ۲۷۶۸۶/ش مورخ ۱۲/۰۵/۱۳۹۵ به نام خانم شهربانو ولدخانی صادر گردیده است. موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۹۵۷۹۴ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۳۰۳۰۲۵۰۳۰۱۴۰۳۸۲۰ ثبت گردیده است.

مالکیت علی اکبر/شادالوئی فرزند فتاح شماره شناسنامه ۲۱۲۶ تاریخ تولد ۰۴/۰۷/۱۳۳۴ صادره از دماوند دارای شماره ملی ۰۴۳۹۸۱۹۴۹ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۵ به‌عنوان مالک دو سهم مشاع از پانزده سهم عرصه و اعیان گواهی مالکیت بهای ثمنیه به شماره ۲۷۶۸۶/ش مورخ ۱۲/۰۵/۱۳۹۵ به نام خانم شهربانو ولدخانی صادر گردیده است. موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۹۵۷۹۵ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۳۰۳۰۳۰۲۵۰۳۰۱۴۰۳۸۲۰ ثبت گردیده است.

مالکیت نرین/شادالوئی فرزند فتاح شماره شناسنامه ۱۶۲۳ تاریخ تولد ۱۵/۰۸/۱۳۳۷ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۴۳۹۲۹۴۴۵۰۴ با جز سهم ۱ از کل سهم ۱۵ به‌عنوان مالک یک سهم مشاع از پانزده سهم عرصه و اعیان گواهی مالکیت بهای ثمنیه به شماره ۲۷۶۸۶/ش مورخ ۱۲/۰۵/۱۳۹۵ به نام خانم شهربانو ولدخانی صادر گردیده است. موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۹۵۷۹۳ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۳۰۳۰۳۰۲۵۰۳۰۱۴۰۳۸۲۰ ثبت گردیده است.

مالکیت ام‌البینین /شادالوئی فرزند فتاح شماره شناسنامه ۱۶۲۲ تاریخ تولد ۱۵/۰۵/۱۳۳۶ صادره از دماوند دارای شماره ملی ۰۴۳۹۲۹۳۴۴۸ با جز سهم ۱ از کل سهم ۱۵ به‌عنوان مالک دو سهم مشاع از پانزده سهم عرصه و اعیان گواهی مالکیت بهای ثمنیه به شماره ۲۷۶۸۶/ش مورخ ۱۲/۰۵/۱۳۹۵ به نام خانم شهربانو ولدخانی صادر گردیده است. موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۹۵۷۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۳۰۳۰۳۰۲۵۰۳۰۱۴۰۳۸۲۰ ثبت گردیده است.

مالکیت حسینعلی /شادالوئی فرزند فتاح شماره شناسنامه ۲۰۷۳ تاریخ تولد ۱۵/۰۲/۱۳۴۴ صادره از دماوند دارای شماره ملی ۰۴۳۹۲۹۸۰۰۸ با جز سهم ۲ از کل سهم ۱۵ به‌عنوان مالک دو سهم مشاع از پانزده سهم عرصه و اعیان گواهی مالکیت بهای ثمنیه به شماره ۲۷۶۸۶/ش مورخ ۱۲/۰۵/۱۳۹۵ به نام خانم شهربانو ولدخانی صادر گردیده است. موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۹۵۷۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۳۰۳۰۳۰۲۵۰۳۰۱۴۰۳۸۲۰ ثبت گردیده است.

مالکیت عباس /زارع فرزند نظر شماره شناسنامه ۱۹ تاریخ تولد ۰۲/۰۶/۱۳۳۹ صادره از بیرجند دارای شماره ملی ۰۶۵۲۵۹۰۸۷۱ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ به‌عنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۳۵۰۶۳ تاریخ ۰۷/۰۸/۱۴۰۲ دفتر‌خانه اسناد رسمی شماره ۵۰۹ شهر تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۱۶۰۴۱ با شماره دفتر الکترونیکی ۰۴۱۴۶/۰۵/۱۴۰۳۰۳۰۱۴۰۳۸۲۰ ثبت گردیده است.

اینک آقای عباس زارع به وارده ۸۱۶/۵۵۵۴۵۰۳۰۱۴۰۳۸۵۶ مورخ ۰۴/۰۷/۱۴۰۳ تقاضای افزایش قدرالسهم ملکی مشاعی خود را نموده است که حسب‌الاراجع اینجانبان حدیث بیانروند و علی اکبر پورخرمی نقشه‌بردار و نماینده ثبت پس از ملاحظه سوابق وبررسی اوراق پرونده و گواهی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه قانون افزایش و فروش املاک مشاع مصوب اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۸ مبنی بر خاتمه یافتن عملیات ثبتی و عدم سابقه تعارض و اختلاف و نیز گواهی دفتر املاک مبنی بر مالکیت متقاضی وشراک ملاحظه گردید که ملک مذکور به صورت یک دستگاه آپارتمان می‌باشد ومستند به نامه شماره ۵۰۸/۱۷/۰۵ مورخ ۱۷/۰۴/۱۴۰۳ شهرداری منطقه ۸ تهران و با توجه به وضعیت کمی و کیفی مورد تقاضا وتعداد مالکین مشاعی وسهام آنها که ۲ نفر می‌باشند پلاک مورد تقاضا به نظر اینجانبان غیرقابل افزایش اعلام می‌گردد.

تصمیم مسئول واحد ثبتی:

با مطالعه پرونده چون پلاک ثبتی ۴۹۳۰۴ فرعی از ۷۰۲۲ اصلی واقع در بخش دو تهران به صورت یک دستگاه آپارتمان می‌باشد با توجه به وضعیت کمی و کیفی مورد تقاضا و تعداد مالکین مشاعی وسهام آنها، غیرقابل افزایش اعلام می‌گردد لذا مراتب در اجرای مادتین ۵ و ۶ آئین‌نامه قانون افزایش به متقاضی وسایر شرکا برابر مقررات مذکور در ماده ۶ آئین‌نامه اخیرالذکر ابلاغ می‌شود تا در صورت اعتراض برابر ماده ۲ قانون افزایش و فروش املاک مشاع ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالحه محل وقوع ملک مراجعه ورسید دریافت نمایند.

م الف: ۱۳۵۲۹

بهروز جشان - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران

ادامه سر مقاله

رژیمی بی‌مسئولیت که از تمام مرزهای اخلاقی و حقوقی عبور کرده، و برای بقای خود حاضر است منطقه را به آتش بکشد و قدرت اطلاعاتی و فن‌آوری نظامی آن پیشرفته است و تحت حمایت قدرت‌های جهانی قرار دارد و اغلب رسانه‌های جریان اصلی جهانی رانیز به تیول خود درآورده است. در سوی دیگر مردمی که خواهان چیزی جز زندگی و حقوق مشروع خود نیستند و مظلومانه از خود دفاع می‌کنند. در این چارچوب سیاست اثرگذار را باید در نقطه قوت خود ونقطه ضعف دشمن متمرکز کرد.
تطبیق این امر با نهادهای مسئول حکومت است. ایجاد هر گونه انتظارات نادرست و افزایش مطالبات منجر به یکی از این دو نتیجه خواهد شد. یا به این معاللات پاسخ مورد نظر داده نمی‌شود که این امر موجب سرخوردگی واحساس شکست خواهد شد. یا با طرف مقابل و آن زاویه‌به نقطه قوت آن وارد بازی خواهند شد که پایان آن را می‌توان حدس زد. البته این دیدگاه ما هم فقط یک نظر، در کنار سایر نظرات است زیرا مبتنی بر اطلاعات دقیق مسئولین از صحنه درگیری‌ها ونیز مواضع پشت‌صحنه وامکانات موجود نیست. بنابراین باید اجازه داد که مسئولین کشور فارغ از هیاهوهای تبلیغاتی تصمیم مقتضی وصحیح را بگیرند و همه نیزها از تصمیمات درست حمایت کنند. مسئله کلیدی این است که اسرائیل به‌جز حمله به سفارت ایران در دمشق در بقیه موارد می‌خواهد نشان دهد که نقشی رسمی در اقدامات مستقیم علیه ایران نداشته است. هر چند عرف سیاسی جهان متوجه عاملیت اسرائیل در این جنایات هستند ولی به لحاظ حقوقی و سیاسی فقط می‌توانستیم حمله‌به سفارت را پاسخ دهیم. اکنون هم هر گونه حمایتی را از مردم مظلوم منطقه می‌توان انجام داد ولی باید متوجه ابعاد حقوقی هر اقدامی بود؛ به‌ویژه که هدف اصلی اسرائیل کشاندن پای قدرت‌های جهانی به منطقه و تغییر صحنه بازی و کنار کشیدن خودشان است.

^[1] رژیم بی‌مسئولیت که از تمام مرزهای اخلاقی و حقوقی عبور کرده، و برای بقای خود حاضر است منطقه را به آتش بکشد و قدرت اطلاعاتی و فن‌آوری نظامی آن پیشرفته است و تحت حمایت قدرت‌های جهانی قرار دارد و اغلب رسانه‌های جریان اصلی جهانی رانیز به تیول خود درآورده است

^[2] در سوی دیگر مردمی که خواهان چیزی جز زندگی و حقوق مشروع خود نیستند و مظلومانه از خود دفاع می‌کنند

^[3] در این چارچوب سیاست اثرگذار را باید در نقطه قوت خود ونقطه ضعف دشمن متمرکز کرد